



لیلا صراحت روشنی،
ژورنالیست و شاعر.
وی در سال ۱۳۸۳ درگذشت.

اقدامات وزارت تحصیلات عالی افغانستان
برای افزایش دسترسی زنان به تحصیلات عالی



سال اول
شماره ۸
دوشنبه
۸ عقرب ۱۳۹۶
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
October 30, 2017
Vol. 1
No. 8



اینجا، چراغی روشن است

همه ما نمی توانیم کارهای
بزرگ انجام دهیم. اما می توانیم
کارهای کوچک را با عشقی
بزرگ انجام دهیم.

مادر ترزا Mother Teresa



رویکرد نیمه

کیم مریم شاهی

زنان فریاد می زنند



این روزها، هشتگ Me Too یا به نام فارسیش «من هم» تبدیل به ادبیات مشترک زنان جهان فارغ از سن، نژاد، زبان و منطقه شده است. از زنی که در آمریکا یا در سوئد و در بالاترین موقعیت های فرهنگی و سیاسی تا دختر جوانی که در کابل درس می خواند، همه به یک زبان و یک جمله کوتاه از تابویی سخن می گویند که تا حالا نتوانستند از آن حرفی بزنند. لیند، بازیگر مشهور غربی با هشتگ من هم، از تجربه آزار جنسی توسط جورج بوش پدر، رئیس جمهور سابق آمریکا سخن می گوید و وزیر خارجه سوئد هم می گوید که در بالاترین پست سیاسی مورد آزار جنسی دیده است و این یکی از بیشمار پست هایی است که با این هشتگ در سراسر جهان نگاشته شده است. هشتگ Me Too در واقع ادبیات مشترک و زبان درد زن قرن بیست و یکم است که سکوت در برابر تعرض جنسیتی را شکسته است و می خواهد وجدان جهان را تکانی دهد تا فکری برای حق اولیه زندگی امن زنان در جوامع کند. سخن از این است که چطور آزار جنسی، درد مشترک زنان فارغ از موقعیت اجتماعی، سطح سواد، عقب ماندگی یا پیشرفتگی جوامعشان است؟ یعنی حتی در جامعه مدرن امروزی هم نمی توان امنیت زنان را از تعرض به جنسیتشان تضمین کرد. چگونه است که خانه، خیابان و محل کار محیط امنی برای زنان نیست، در حالیکه زنان امنیت دهندگان روح و روان اجتماع خود هستند. این نشان می دهد که زن قرن بیست و یکم هنوز راه های نرفته بسیاری دارد تا بتواند حقوق اولیه خود را بدست آورد اما از طرفی، زنان جهان از طریق این کمپین به ادبیات مشترکی دست یافتند و ادبیات مشترک می تواند آغازگر تعامل موثر بین زنان جهان باشد.

تبعات این کمپین در جامعه ما چیست؟ همراه و همزمان با زنان جهان، زنان افغانستان هم در این کمپین شرکت کرده اند. کمپینی که هنجاری را در جامعه ما می شکند. سکوت زن افغانستان همواره در یک قرن اخیر در جامعه سنتی یک ارزش محسوب می شد و اگر زنی از تجربه تعرض جنسی سخن می گفت به چشم دریدگی، پرده دری و گاه هرزگی متهم شده است اما این کمپین سکوت زن جامعه افغانستان در برابر تعرض را بار دیگر شکست. تعدادی از کاربران زن و در مواردی هم کاربران با هشتگ Me Too از تجربه های آزار جنسی سخن گفته اند و این حرکت اجتماعی قدمی به جلو بود هر چند همراهی زنان بسیاری از جامعه افغانستان را در پی نداشت اما می تواند برای جامعه ما، تمرینی برای حرکت عملی تر با شکستن سکوت در برابر تعرض باشد.



زنان تحصیل کرده و باپشتکار بسیارند
اما در پشت پرده

— ۳ —

داشت با وقار و با شانه های پهن و پستان های برجسته. هر چه مادر داشت من از آن محروم بودم. مثل نهالی که در سایه درخت کم رنگ و نازک رشد می کند. دوست داشتم آرامش خیال او را می داشتم و می توانستم بین آن همه گرفتاری ها سر میز کاری بنشینم و به او تقلید کنم. شکل و شیوه نوشتن اش را آموخته بودم اما روح کلمات اش را نه. وقتی می نوشت واژه ها خمیازه می کشیدند، بیدار می شدند و به همدیگر به طرز عجیبی وصل می شدند. شروع می کردند به راه رفتن. وقتی دنبال شان می کردم به نگاه ام مثل بادبادکی بسته می شدند تا به آخر واژه ها. در بعضی از صفحه های دفتر عکسی را چسبانده بود که از روزنامه ای و یا مجله ای بریده بود. عکس های که شبیه تجربه و یا قصه های او بودند.

این عکس را بیش از همه دوست دارم، عکس دختر بیست که در میدان بی پایانی می دود. عکسی که مادر در سمت چپ چسبانده و در سمت راست نوشته است. نوشته ای که من مثل یک شعر روان از برم. لب جویبار باریک دختری می دود با تمام قوتی که دارد. آری شبیه به همین دختری که می بینید. اما نمی بینید که در دست قیچی و شیشه ای عرق و دو دستمال در بغل دارد.

به روی عکس خیره می شوم و دنبال دستان دختر که می گردم ببینم چه دارد. چیزی ندارد. دوباره شروع می کنم به خواندن. مادر نوشته بود این خواهر بزرگ من است به کمک مادرم می دود. همیشه وقتی به این صحنه فکر می کنم پوستم نم می کشد از فکر این که نکند روی قیچی بیوفتد و یا از این که قیچی با حرکت تند دویدن گاه به چشم و گاه به شکم اش نزدیک می شد. دلم می خواست او را نگه دارم و بگویم که آرام باش آرام تر بدو، گریه نکن! مواظب باش! ولی من خود در حال تلاش بودم. در حال وارد شدن به دنیای خواهر و مادرم که منظر من بودند.

در صفحه ۳



معرفی کتاب

کیم شهزاده سمرقندی

قسمت سوم

زمین مادران

(زمین مادران رمانی از شهزاده سمرقندی است که زندگی سه نسل از زنان تاجیکستان را روایت می کند.) مادر وقتی سرگذشت اش را نوشت بین کتابها گذاشت و گفت چه قدر سبک شدم، انگار همه را ریخته باشم بیرون. راست می گفت. وقتی خاطرات خود را نوشت انگار راه نفس اش باز شد، روان و بدون سکنه نفس می کشید و انگار راه رفتن اش هم سبک و موزون شد.

مادر انگار درخت چنار بود و مرد و زن در سایه ای آن پناه می بردند. سایه ای که پر بود از فراغت و آرامش، پر بود از کودکان عربان با شکم های ورم کرده که به جز بازی و غذا نگرانی نداشتند. من در میان شان با لاغری و آرامی خود یک گردن بالا تر بودم. گردنی که مثل شتر مرغ بلند می ماند، وقتی می دویدم، وقتی می نشستم. سایه ای مادر زمین زیر پای مان را در گرما خنک و در سرما گرم می کرد. هیکیلی

هفته نامه نیمه را هر هفته در دفتر کار و پشت در منزل تان دریافت نمایند

دریافت کننده	مدت قرارداد	هزینه ارسال
مؤسسات خارجی	۶ ماه	۱۰۰ دالر
مؤسسات داخلی، دانشگاه ها، بانکها، مراکز علمی و سایر نهادهای خصوصی و دولتی	۱۲ ماه	۱۵۰ دالر
مؤسسات داخلی، دانشگاه ها، بانکها، مراکز علمی و سایر نهادهای خصوصی و دولتی	۶ ماه	۳۰۰۰ افغانی
مؤسسات داخلی، دانشگاه ها، بانکها، مراکز علمی و سایر نهادهای خصوصی و دولتی	۱۲ ماه	۵۰۰۰ افغانی
دانشجویان و اساتید دانشگاه	۶ ماه	۲۰۰۰ افغانی
دانشجویان و اساتید دانشگاه	۱۲ ماه	۳۵۰۰ افغانی



گفت‌وگو

گفت‌وگو از آمنه امید

زنان تحصیلکرده و باپشتکار بسیارند اما در پشت پرده

اگر اینها را بیابان و وارد سیستم کنند؛ تفکر و پرسش ایجاد می‌شود و شاید این زنان سیستم را کاملاً زیرسوال ببرند، شما می‌بینید که لت و کوب زنان کم‌رنگ شده است و روبه پایان رفتن است، حداقل در فضای کاری اما در عوض، آن خشونت فرهنگی افزایش پیدا می‌کند و برجسته می‌شود با دادن یک چوکی پر از ذرق و برق با دادن یک دفتر شیک و ابزارهای ازین قبیل برای زنان، از آن‌ها سوء استفاده می‌کنند و یک عده زنان، ابزار است برای رسیدن به اهداف طراحان این سیستم زنان تحصیل کرده را در حاشیه قرار می‌دهند چون می‌دانند با وارد شدن آنها فضا تغییر می‌کند و سوال‌های زیادی ایجاد می‌شود.

زنان تحصیل کرده چقدر کار کردند، برای هویت زنانه؟ فکر می‌کنم کاری خاصی نکردند زن افغانستانی تا هویت زن افغانستان دیده شود درین جامعه کار کمتر شده است و اما هستند کسانی که با تحمل خیلی از سختی‌ها دارند برای یک عده از زنان حرکت می‌کند و تلاش می‌کنند به هر طریقی خانم‌ها را از حاشیه بیرون بکشند و از داخل خانه‌ها به اجتماع بیرون بکشند خودباوری و اعتماد به نفس را در خانم‌ها برگردانند و هویت انسانی آن‌ها را برجسته کنند اما به آن صورتی که زنان تحصیلکرده آیند، دور هم جمع شوند و برای فرادی زن افغانستانی یک تعریفی را بسنجند؛ این اتفاق تا هنوز در افغانستان نیفتاده است، بیشتر تکرار همان کاپی شده‌هایی است که از طرف کشورهای دیگر و سازمان‌ها و گروه‌های زنان دیکته شوند، باور و اندیشه خود زن افغانستانی را که تقلیدی نباشد تا هنوز نداشتیم.

اگر زنان بخواهند در آینده پایگاه اجتماعی خود را تثبیت کنند، برای رسیدن به این هدف چه باید کنند؟ زنان در هر طیفی که هستند با هر تفکری که زندگی می‌کنند، باید کنار هم باشند، هر زن تحصیلکرده صاحب مقام که بخواهد پایگاه ثابت و مداوم داشته باشد، باید روی روی هم نبوده و کنار هم باشند با هدف خدمت به جامعه زنان و نسل‌های آینده؛ در هر جا و هر سیستمی که هستند، باید همدیگر را حمایت کنند و برای حذف همدیگر تلاش نکنند. از امکانات و قدرتی که در دست دارند برای بالا کشیدن همدیگر کار کنند تا در آینده پایگاه قوی داشته باشند؛ اگر زنی، دختری با استعدادی را می‌بیند، او را حذف نکند بلکه او را حمایت و مسیر را برای او باز کند، چون تنها با حمایت همدیگر است که جامعه زنان قوی می‌شود و توانایی و ظرفیتی به وجود می‌آید.

زیاد هستند و خودشان را نشان می‌دهند، اما رسانه‌ها آن‌ها را نشان نمی‌دهند. زنانی داریم که مهندس و داکتر هستند و در حوزه‌های تخصصی زیادی فعال هستند و زنان قلم بدست زیادی داریم، اما سیستم مردانه اجازه نمی‌دهند به آنها که دیده شوند، جز عده خاصی که همیشه قابل دید هستند؛ اگر کمی این زن‌ها بیابند بالا و دیده شوند، فوراً این خانم‌ها را خفه می‌کنند و این‌ها را سر جای خودشان می‌نشانند. حالا از طریق هر چیزی و هر نوع برجسب زنی، از آنجایی که به نظر من، زنان ذاتاً خطر گریز هستند و همین مسئله باعث می‌شوند که آنها نخواهند ریسک کنند و نخواهند که مبارزه کنند و نیابند خودشان را در جامعه نشان بدهند تا حمایت شوند و کسانی بیابند این‌ها را الگو قرار بدهند تا حضور این‌ها، خانم‌های دیگری را تقویت کنند. در جامعه، مردان خطر پذیرتر از زنان هستند. چون مردان اگر خطرپذیر نباشند، می‌بازند. در افغانستان خطر پذیری راه عبور زنان از چالش‌ها است، اما در همین جامعه، کم هستند زنانی که خطر پذیر و اهل ریسک باشند، فقط عده‌ای هستند که ریسک می‌کنند و رسانه‌ها در تمام نشریاتشان آنها را نشان می‌دهند. با این حال، زنان تحصیلکرده و با پشتکار هم زیاد است که در پشت پرده‌ها به سر می‌برند.

ولی این مسئله باید به یک نوعی شکسته شود. البته زنانی که ریسک پذیر هستند و ریسک کردند، قربانی‌های زیادی دادند، مبارزه کردن حتی به قیمت از دست دادن خانواده‌شان، به قیمت از دست دادن تمامیت خودشان، به قیمت طرد شدن از تمام فضاها و دوستان‌شان است. این زنان خیلی کم هستند اما تابوها را می‌شکنند. با قربانی شدن خودشان راه را باز می‌کنند، برای ده‌ها زن دیگر و زنان زیادی وارد سیستم‌هایی می‌شوند که قبلاً مردانه تلقی می‌شد.

زنان ریسک پذیر جامعه را اگر دقت کنید، به مسایل علمی و تخصصی خیلی دست بالا ندارند، فقط خطر پذیریشان بالا است، اما اگر زنان تحصیلکرده ریسک کنند و بیابند وارد سیستم شوند، فکر می‌کنم اتفاقات خیلی مثبت خواهد افتاد. زنانی در علم ریاضیات در علم فضاپیماها و ده‌ها موضوع دیگر کار می‌کنند، اما سیستم طوری است که می‌خواهد جامعه را به صورت ابزاری در دست خودشان داشته باشد؛ بنابراین فقط همان زنانی را نشان می‌دهد که در رسانه‌ها مطرح هستند و از آنها دست‌آویز می‌سازند، برای رسیدن به پروژه‌های کلان‌شان و نردبانی برای رسیدن‌شان به هدف. اگر زنانی که اهل مطالعه هستند، درک عمیق دارند و تحصیلکرده هستند،

بود، کسی حرف آن‌ها را نمی‌شنید و حتی حرف زدن در مورد زنان برای یک عده تابو (منع اجتماعی) بود اما وقتی فضای اجتماعی باز شد و زنان شروع به کارهای اجتماعی کردند. زنان خود واقعی‌شان را حذف کردند، فقط به این خاطر که به موقعیت و قدرت برسند و بدنبال آن تحسین مردها را داشته باشند، پس چنین وابستگی ایجاد شد. برخی بر این باور هستند که توقع مردان جامعه از زنان در حوزه انتخاب همسر و انتخاب شغلی و استخدامی این است که خوش چهره باشند، باریک اندام و لاغر و معمولاً در استخدام، کسی اولویت دارد که از مسایل حقوق انسانی و ارزش‌های فکری چیز زیادی نفهمند و به نظر شما، ریشه این نوع نگاهها در کجا است و تاثیر آنان بر زنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ببینید وقتی سیستم و بنیاد غلط باشد، پس چنین روشی در جامعه وجود دارد؛ چون سیستم درست نیست البته تنها در جامعه افغانستان هم نیست که بخاطر جذب مشتری بیشتر، یک زن خوش چهره را پشت میز می‌نشانند؛ در بسیاری از جوامع که نگاه کالاگونه به زنان دارد، همین برخوردها صورت می‌گیرد و ریشه آن هم بر می‌گردد به نگاه جنسیتی نسبت به زنان و نگاه کالاگونه مرد به زن، البته در بعضی از جاها چنین چیزی تعریف مشخص دارد، مثلاً یک زن باریک اندام و خوش چهره میرقصد و وظیفه آن رقصیدن است. رقصیدن یک هنر است و آن خانم می‌فهمد که چه وقت هنرنمایی کند و در کجا، اما در جامعه افغانستان قضیه فرق می‌کند، همه به نحوی دنبال مسئله‌ای هستند که او را نیاز ندارند. یک تعداد به خاطر اینکه فکر می‌کنند از دیگران عقب نمانند آمدن یک سری از مسایلی ازین قبیل را دنبال می‌کنند و در افغانستان رسانه‌ها متأسفانه این موضوع را تقویت می‌کند شما نمی‌بینید که یک مجری یک شبکه تلویزیونی یک خانم جاق باشد و به همین خاطر است که استفاده‌ها و سوء استفاده‌ها روز به روز از خانم‌ها در جامعه افغانستان، در حال افزایش است و زنان هم برای اینکه بیشتر دیده شوند و بیشتر مطرح شوند، خودشان هم به این مسئله دامن می‌زنند؛ یعنی در همان سیستم باز، زنانی هستند که خودشان تقویت کننده این وضعیت هستند. در جامعه‌ای که زنان تحصیلکرده بسیار باشند اما تعداد زنان کمتری به عنوان خانمهای فعال اجتماعی مطرح باشند، چقدر اینها می‌توانند در رشد خشونت‌ها نقش داشته باشند و از طرف دیگر تاثیر این مسئله بر خانم‌های در حال تحصیل، چگونه ارزیابی می‌شود؟ خانم‌های تحصیل کرده و علاقمند کار و شاغل،

بتول سیدحیدری، فوق لیسانس روانشناسی و به فعالیت‌های مشاوره‌ای روانشناسی و تدریس در دانشگاه مشغول به کار است، آمنه امید مصاحبه‌گر نیم‌رخ در مصاحبه با خانم حیدری، نظرات وی را در مورد وضع زنان افغانستان را از نگاه روانشناسی جویا شده است.

جایگاه رشته روانشناسی و اهمیت مشاوره های روانشناسی را در جامعه افغانستان چگونه می‌بینید؟ روان‌شناسی در افغانستان هیچ جایگاهی ندارد به گفته یکی از همکاران در وزارت صحت افغانستان برای سگ دیوانه جایگاهی وجود دارد اما برای روان‌شناس نه جایگاهی است نه بودجه‌ای. وقتی سیستم و نظام حکومتی جایگاه قابل نیست برای روان‌شناسی قطعاً در دانشگاه‌ها هم نگاه ارزشی به علم روان‌شناسی وجود ندارد، درحالی‌که نقش روان‌شناسی را نمی‌توان در سلامت روحی و روانی و کنترل افراد و اینکه چگونه ناسامانی و تشویش‌های ناشی از آن، مدیریت امور زنده‌گی مؤثر است نمی‌توان کتمان کرد. اما در افغانستان هیچ کسی نیست که رشته روان‌شناسی را باور کند و اهمیت آن را بپذیرد.

از دید تخصصی و مسلکی در حوزه مطالعات روانشناسی، چرا زنان بیشتر شخصیت وابسته دارند و انتظار دارند تا یک مرد حمایتشان کنند؟ زنان بخاطر اینکه مدت‌ها دور بودند، از فضای اجتماعی و محروم بودند یک دفعه برای اینها بستر باز شد و اینها شروع کردند به فعالیت. اگر توجه کنید خیلی وقت‌ها زنان تلاش دارند که مورد تحسین مردان جامعه قرار بگیرند. در جامعه دو دسته از زنان وجود دارد که مورد توجه مردان قرار می‌گیرند، یکی زنانی که در قدرت هستند و توانایی انجام کار را دارند و این‌ها مقام و قدرت دارند. دوم زنانی که زیبا و شیک پوش هستند؛ اینها مورد توجه مردان قرار می‌گیرند. وقتی اینها حرکت می‌کنند به سمتی، مردان شروع می‌کنند به تحسین کردن آنان، اما اگر اندکی این زنان برخلاف میل و فکر آن مردان حرکت کنند و فکر خودش را بازتاب بدهند و این مردان شروع می‌کنند به برجسب زدن و بدگفتن آن زن؛ در حالی‌که این اشتباه هست اگر کسی را دوست داشته باشیم و حمایت و تحسین کنیم، باید او را با افکار و طرز فکر خودش دوست بداریم و حمایت کنیم نه اینکه در اختیار ما حرکت کند؛ بنابراین زنان وابسته می‌شوند؛ چون وابسته‌ی تحسین هستند و دوست دارند از طرف مردان تحسین شود و این باعث می‌شود که زنان به لحاظ روحی و روانی به مردان وابسته می‌شوند. زنان در مدت طولانی از جامعه کنار رفته و در حاشیه قرار گرفته

افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونه د خلکو ساتونکي!

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان برای محافظت مردم!

افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونه په دوامداره توکۀ د بلواکرو له شره د خلکو په ساتنه بوخت دي په وروستيو کي د پکتيا ولايت په جاني خيلو ولسوالۍ کي بريالي بوخي عمليات ترسره شول، چې په پايله کي يې زغور زړورو سرتيرو سيمه د ترهگرو نه منگولو اژاده کړه.

يوه قومي مشر لعل جان وويل: زموږ سرتيرو وکولي شول په ډير لږ وخت کي بلواکرو ته ماتې ورکړي او سخت يې وځپي اوس سرتيرو کولي شو خپل عادي ژوند ته دوام ورکړو.

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان به شکل دوامدار مصرف محافظت مردم از شر شورشیان نبیاشند اخیراً، عملیات موفقانه در ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا راه اندازی گردیده که در نتیجه آن سربازان دیر ما توانستند این ساحه را از وجود هراس افغانان پاکسازی نمایند.

لعل جان بکی از بررنگان قومی گفت: نیروهای امنیتی ما توانستند در زمان بسیار کوتاه شورشیان را مغلوب و آنها را شدیداً سرکوب نمایند. حالا نمیتوانیم به زندگی عادی خود ادامه دهیم.



مزارش

دکتر عبدالطیف روشن

سرپرست وزارت تحصیلات عالی

اقدامات وزارت تحصیلات عالی افغانستان برای افزایش دسترسی زنان به تحصیلات عالی

مشارکت زنان در اداره عامه، سیاست و اقتصاد زمانی می تواند مطابق اهداف و مقاصد تعیین شده تحقق یابد که در راستای تحصیلات عالی زنان و دسترسی زنان و دختران به تحصیلات عالی توجه ویژه صورت گیرد. دولت در حالی از مشارکت زنان سخن می زند که هنوز هم اکثریت زنان به تحصیلات عالی دسترسی ندارند، هنوز هم اکثریت نفوس بی سواد در میان زنان و دختران افغانستان جا دارد و هنوز هم سرمایه گذاری در خانواده ها در قسمت تحصیل دختر و پسر عادلانه نیست. وزارت تحصیلات عالی اهمیت موضوع برابری جنسیتی را درک و در ستراتیژیک پلان دوم لویایح و مقررات حاکم بر فضای کاری این اداره، برنامه هایی که سبب تقویت حضور زنان در نهاد های آکادمیک شود، گنجاینده است.

وزارت تحصیلات عالی درک می کند که زنان افغانستان زمانی می تواند از نقش سمبولیک در سیاست و اقتصاد عبور نماید که دارای تحصیلات عالی باشند. به باور من تحصیلات عالی ظرفیت، قدرت تصمیم گیری و استقلالیت می آفریند. اینکه زنان در خیلی موارد تحت تاثیر فضای مردانه قرار می گیرند دلیل آن نداشتن تخصص و دانش کافی است. در تحصیلات عالی برای زنان فراتر از شعار می خواهم کار کنم. ما باور داریم که افغانستان زمانی می تواند به توسعه پایدار دست یابد که از منابع بشری دست داشته خویش فراتر از جنسیت استفاده کند. زنان و مردان هر دو منابع مورد نیاز برای آغاز فرآیندهای توسعه پایدار محسوب می شود. به طور مشخص برای تقویت حضور زنان و برای افزایش دسترسی زنان به تحصیلات عالی اقدامات ذیل را آغاز کرده ایم:

اول. ریزرف ست ها برای قشر اناث در پروسه کانکور. پروسه ملی کانکور کلیدی ترین برنامه وزارت تحصیلات عالی می باشد که خوشبختانه به زنان توجه خاص صورت گرفته است. وزارت تحصیلات عالی در رشته های با اولویتی که افغانستان را در رسیدن به رشد اقتصادی کمک می کند، گداهای رقابتی را بین داوطلبان پسر و دختر جدا کرده است. توسط این پالیسی حمایتی ما می توانیم علاوه بر روند معمول داوطلبان زیاد قشر

وزارت تحصیلات عالی در رشته های با اولویتی که افغانستان را در رسیدن به رشد اقتصادی کمک می کند، گداهای رقابتی را بین داوطلبان پسر و دختر جدا کرده است. توسط این پالیسی حمایتی ما می توانیم علاوه بر روند معمول داوطلبان زیاد قشر اناث را در رشته های با اولویتی که افغانستان را در رسیدن به رشد اقتصادی کمک می کند، گداهای رقابتی را بین داوطلبان پسر و دختر جدا کرده است. توسط این پالیسی حمایتی ما می توانیم علاوه بر روند معمول داوطلبان زیاد قشر



اناث را در رشته های تعیین شده جذب کنیم. گرچه این پالیسی مورد انتقاد بعضیها قرار گرفت. ولی می خواهم واضح سازم که چالش ها و فرصت هایی که زنان و مردان افغانستان با آن مواجه هستند نه در گذشته و نه در زمان حال مشابه نیست. برای جبران گذشته و کاهش محرومیت زنان ایجاب می کند تا یک مدت پالیسی های حمایتی برای زنان وجود داشته باشد. دوم. فراهم کردن تسهیلات ویژه برای استادان، محصلان و کارمندان قشر اناث. وزارت تحصیلات عالی با درک چالش های فراروی قشر اناث ۲۵ عراده موثر کاستر را برای سهولت در رفت و آمد خریداری کرده است و این روند را ادامه می دهد. علاوه برآن، در سال آینده یک برنامه خاص را برای زنان آسیب پذیر(Disadvantage Female) منظور کرده است. بر مبنای این برنامه برای قشراناث آسیب پذیر (افراد معیوب، معلول، زنان در دوران بارداری) که نیاز به ارایه خدمات خاص دارد، تسهیلات مورد نیازشان فراهم می شود. به طور مثال، محصلینی که ناشنوا، نابینا و معلول هستند؛ وسایل موردنیاز آموزشی شان از سوی وزارت تحصیلات عالی فراهم می شود یا در قسمت ارایه خدمات ترانسپورتی با آنها همکاری صورت می گیرد. این برنامه توسط میکانیزم شفاف در قالب بورسیه ها برای محصلان عرضه می شود. ما تلاش می کنیم این برنامه را نخست در پوهنتون های بزرگ مرکز و بعد از دریافت نتایج به سایر نهادهای آکادمیک گسترش

دهیم. سوم. تامین مصونیت زنان و دختران در نهادهای تحصیلی. به منظور پاسخ گویی به اعتراضات جامعه مدنی و خانواده های محترم وزارت تحصیلات عالی پالیسی منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی را تدوین و به تمام نهادهای تحصیلی معرفی کرده است. ما تطبیق عملی این پالیسی را در پوهنتون تعلیم و تربیه استاد شهید ربانی آغاز کرده ایم. برای تطبیق این پالیسی تمام میکانیزم های حقوقی، روانی و ارزش های حاکم اسلامی در نظر گرفته شده است. آگاهی دهی و انتقال پیام به کمک هنر، یکی از بخش های تطبیق این پالیسی می باشد که در هفته گذشته به صورت علمی آغاز گردید.

چهارم. فراهم کردن تسهیلات کاری برای زنان شاغل. مطابق به قانون کار افغانستان، اداره مکلف است تأمینات اجتماعی را برای کارمندان فراهم کند. کودکانستان یا شیر خوارگاه یکی از مواردی است که در جز تأمینات اجتماعی محسوب شده و وزارت تحصیلات عالی طی چند ماه گام های جدی را برداشته است. مرکز وزارت به شمول پوهنتون های مرکز و سه دانشگاه بزرگ به کودکانستان های استندرد دسترسی دارند و تلاش می کنیم به عنوان یک فرهنگ در سال آینده در تمام پوهنتون های افغانستان این برنامه را گسترش دهیم. این موضوع ساده به نظر می رسد ولی می تواند در تقویت حضور زنان خیلی مفید و موثر واقع شود. پنجم. ایجاد مراکز مشاوره، خلاقیت و مهارت های نرم افزاری. این برنامه ها که در واقع برنامه های ممد آموزش است، برنامه های جدید وزارت تحصیلات عالی است که محصلان و خصوصاً محصلین قشر اناث را در راستای پیشبرد امور درسی، کاریابی و آموزش مهارت نرم افزاری کمک می کند.

ششم. بورسیه های تحصیلی. فراهم کردن خدمات تحصیلی در بیرون از کشور یکی دیگر از برنامه های جدی و با اولویت وزارت تحصیلات عالی را تشکیل می دهد. برای تقویت مستفیدین قشر اناث سهولت ها و انعطاف پذیری در شرایط استفاده از بورسیه ها با توجه به چالش ها و مشکلات زنان در نظر گرفته شده است.

جدیدگیسو

لیلا صراحت روشنائی

برای آسه مایه

دلگرفته شهر من برای آسه مایه ات

ببین تنوره میکشد ز دل غم جدایی ات

ز دیده ام گشوده ام هزار چشمه آرزو

مگر که بارور کنم نهالک رهایی ات

دلگرفته شهر من که دیو زاد فاجعه

شرر فگنده اینچنین به شهپر همایی ات

چه شد شکوه باورت بهار عشق پرورت

که سر شکسته میرسد خزان بینوایی ات

دلگرفته شهر من سرود آه میشوم

سرود گریه میرسد به دیده ع فدایی ات

چه زخم هاست بر تنت چه قصه هاست بی منت

چه داغ هاست بر دلگ ز درد بی دویای ات

تو شوکت شهامتی، چرا اسیر حیرتی

ببین که میکشد مرا بسیط بی صدایی ات

نوای سبز باورت اگر که بارور شود

دو باره باز اگر رسد زمان کبریایی ات

اگر چه پر شکسته ام اسیر و بال بسته ام

به بال ناله میرسم برای همصدایی ات

هفتم. اعمار لیلیه ها برای محصلین قشر اناث. کار اعمار پنج لیلیه معیاری آغاز گردیده است و در سال آینده آماده بهره برداری می شود. در سال آینده تمام پوهنتون های بزرگ دارای لیلیه های معیاری برای قشر اناث می گردد. تلاش می کنیم به زود ترین فرصت تمام نهاد های تحصیلات عالی دولتی دارای لیلیه اناث گردد. زیرا ما باور داریم که اگر تسهیلات لیلیه موجود باشد ما می توانیم بدون در نظر داشت چالش های مکان یا موقعیت؛ تعداد زیاد محصلین قشراناث را در پوهنتون ها جذب کنیم.

هشتم. راه اندازی تحقیقات علمی در مسایل زنان. اکنون مرکز مطالعات زنان و برنامه ماستری مطالعات زنان و جندر یکی از برنامه های مهمی است که به صورت تخصصی مسایل زنان را مورد مطالعه و آموزش قرار می دهد. تلاش ما بر این است تا در سال آینده این مرکز را با مراکز بین المللی که در خصوص حقوق زنان کار می کند ارتباط داده و زمینه تحقیقات علمی در مورد مسایل زنان با معیار های جهانی فراهم سازیم.

تلاش می کنیم در وزارت تحصیلات عالی و در تمام نهاد های آکادمیک زمینه را برای جذب زنان تحصیل کرده و توانا باز کنیم. پوهنتون های یک نهاد غیر سیاسی است من تلاش می کنم زمینه جذب فراتر از زد و بندهای سیاسی و با توجه به دانش و ظرفیت افراد در این نهاد های مهیا سازم.

بدون هیچ شماره تلفونی و یا آدرس دست تکان دادم و او نیز با تبسم سفیدی که لبانش بر آن قاب شده بود دست تکان داد. دست تکان داد و قطره مثل یک شتر پیر تکان خورد. باز دو سه تکان خورد و ناتاشا از قاب پنجره لیز خرد و ناپدید شد. مادر بعد از هفته ها مقاومت صبح زود در زده بود و وارد اتاقم شده بود. کنار تخت نشست و دست روی پیشانی ام گذاشت. مهتاب، عزیزم. اگر واقعاً فکر می کنی به این سفر نیاز داری، برو. نگران من نباش. دوست و آشناها هستند. دست تنها نمی مانم. ولی قبول ده که مراقب خودت باشی و زود برگردی.

پاسخی نمی داد وقتی می پرسیدم، ناتاشا کی بود، مادر؟ فیلم چه شد؟ چرا نمایش نمی دهند؟ انگار خود نیز دوست داشت بداند. بداند که چی شد؟ بالاخره آن همه دغدغه ای گروه فیلم برداری و آن همه تبلیغ از نمایش سراسری در کشور و فراتر. فیلمی که برای هر لحظه ای آن رهنمایم بود و تشویقم کرد، به صبوری خواند وقتی خسته و دلگیر می شدم از سرزنش ها و رنج هایی که در اجرا می کشیدم.

عزیزم، ببین، یک لحظه، صبر کن، بیا این جا بشین، این شربت را بخور و گوش کن. تو تصور کن که بار اول سوار تراکتور می شوی، بار اول اصلاً تراکتور را دیده ای. می فهمی؟ بار اول! تراکتور هیبت دارد، ترس دارد، نگرانی دارد. می فهمی؟ انگار با دیوی رو به رو هستی! دیوی که تمام مردم محل از صدایش و از جای پاش می ترسند. تو هم می ترسی! اما می خواهی ترس خود را بشکنی. می فهمی؟ مسئول گریم برای دهمین بار به صورت آب می باشیدی، زلفم را نم می کرد و به صورتم می چسباند. می فهمم. خوب دوباره، شروع! پنج، چهار، سه، دو... یک!

می کنم تا غافل گیر نشود و نترسد. بدون این که به سویم نگاه کند می گوید، زود بیدار شدی. خوب خوابیدی؟ دست به کمزش می گذارم و می گویم، باید بروم. دیشب وقتی لباس خواب ش را پوشید و روی تخت ش دراز کشید، کنارش نشستم. دستان اش را گرفتم * کلفت و ضخیم

و بوسیدم. گفت می خواهی بروی؟ گفتم بله. باید بروم و ناتاشا را پیدا کنم. چیزی نگفت. او را تنها گذاشتم و روی تخت خود با شکم دراز کشیدم و عشق اول تورگنیف را روی بالین گذاشتم. پنجره را باز گذاشته بودم تا صدایش را بشنوم اگر کاری داشت، مجبور نشود از جایش برخیزد و سراغ من آید. اما غج-غج کف چوبی بلند شد و هم وزن راه رفتن مادر موزون بود. مادر بسته در دست کنار در و ایستاد و هس-هس نفسش بلند تر شد وقتی گفت این برای توست از ناتاشا، از جای جستم و نمی دانم کتاب را کنار گذاشتم و یا به کنار پرت شد و یا اصلاً کتابی در دستم بود. از ناتاشا! بسته را با سرعت باد باز کردم، مثل گرگی که پرنده ای را پر می کند باشد.

ناتاشا نوشته بود: عزیزم، نمی دانم تو را با کدام از این نام هایی صدا کنم که در مدت بیماری به خود گذاشتی و نمی دانم که حالا به خود چه اسمی را انتخاب کرده ای. هر نامی داشته باشی، فرقی نمی کند، من تو را به عنوان یک دوست عاشق برای همیشه در دل خواهم داشت. این هم نوشته های توست که می خواهم پیش تو باشد. همیشه دعاگوی تو ناتاشا، موسکو، دلم برای دیدن این دختر روس بی قرارتر شد. دختری که تمام مدت مرضی با من بود و وقتی دستم را به دست مادر داد و خدا حافظی کرد، دیگر ندیدم ش.

معرفی کتاب

کتاب شهزاده سمرقندی

قسمت سوم



زمین مادران

بین دختر مادر ورق نوشته ای پیدا می کنم و خط خود را می شناسم. بارها یادم هست که می نوشتم و بین دختر مادر بنهان می کردم. نمی دانم این یادداشت های پراکنده را که هیچ وقت سر و ته شان به هم نمی رسید، در چه حالی نوشته ام.

می شود تند تر راه رفت، می شود تندتر دوید، می شود سوار دوچرخه شد، سوار قطار شد، می شود سوار هواپیما شد، اما ترجیح می دهم زیر سایه ای درختی بنشینم و پرواز کنم. به دوران رفته و ریشه های آینده را در آن جستجو کنم.»

دو بهار از این نوشته گذشته است. ولی هنوز برای من گرم و آشناست این بسته کاغذی که روی میز خوابیده و با آن گوشه های از خشکی شکسته و از زردی و گردگرفتگی انگار پوست حیوانیست کنده از گوشت و استخوان.

دختر را سر جای خودش بین کتاب های غفس* نشر شوروی مادر می گذارم و بیرون می روم. مادر در آشپزخانه مشغول است. بی صدا در حال پختن غذاست. وقتی بدون هیچ سرو صدای در آشپزخانه دور دراز می ماند، می فهمم که سخت به فکر فرو رفته است. سرفه ای

با ترس به تراکتور نزدیک می شوم. پای خود را آهسته روی رکاب آهنین می گذارم. ایوان دست دراز می کند، نمی گیرم، دوباره تلاش می کنم سوار شوم، نمی شود. رکاب بلند است. دفعه ای سوم پای ام به رکاب می رسد و با دو دست و یک پای به تراکتور آویزان می شوم. پای دیگرم هنوز در زمین است و می ترسم، واقعاً می ترسم که از زمین جدا شوم. با سختی خود را به کابین تراکتور می نشانم. دستم را روی فرمان می گذارم. برای پنجمین بار، دقیقاً در همین صحنه کارگردان می گوید، نه، نه، نه!



وقتی از صحرا با مادر برگشتم دیگر به روشنی می توانستم تشخیص دهم که چه چیز مال من است و چه چیز مال مادر. بعد از دعوای حساسی با مرد نظامی برگشته بودیم خانه.

از کفش تا اسم دوستان و نزدیکان. دلنگی عجیبی برای دیدن دوستان و آشناها پیدا کرده بودم. مادر می گفت خیلی وقت است با آنها صحبت نکرده ام و وقتی به دیدن من آمده اند، خود را کنار کشیده ام و هیچ پاسخی به حرف هایشان نداده ام.

چهره ی مادر در آفتاب سرخ شده بود و تارهای ریز موی اش به دور صورت اش چسبیده بود. دستان اش را بالا برد و زیر بغل اش را باد داد. تمام مدت با دهان نیم باز نفس می کشید و گاهی با لب بالا و گاه با لب پایین نفس دراز به روی خود می فرستاد. از بال زدن مجله ای که در دست مادر بود و خود را با آن باد می زد، گوشواره های بخارابی اش گویا می هراسید و به چپ و راست فرار می کرد. گوشواره های پهن با هفت هشت سنگ سرخ با مرجان های ریز قاب شده.

ادامه دارد

جنسیت/جنسیت و مشارکت سیاسی در افغانستان

۲۰۰۴	تعیین ۱۷ درصد سهمیه برای حضور زنان در مشرانو جرگه	۸
۲۰۰۴	از نظر قانونی نیاز است تا ۲۵ درصد از کرسی‌های شوراهای ولایتی به زنان واگذار گردد	۹
۲۰۰۴	تصویب قانون اساسی	۱۰
۲۰۰۵	استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان	۱۱
۲۰۰۵	اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان	۱۲
۲۰۰۶	برنامه کاری برای صلح، آشتی و عدالت در افغانستان	۱۳
۲۰۰۷	برنامه ملی کاری برای زنان افغانستان (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷)	۱۴
۲۰۰۸	استراتژی توسعه ملی افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۳)	۱۵
۲۰۰۸	اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳)	۱۶
۲۰۰۹	تصویب قانون رفع خشونت علیه زنان	۱۷
۲۰۱۰	برنامه‌های دارای اولویت ملی	۱۸

علاوه بر آن، افغانستان در این مدت، بسیاری از کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی را تصویب و امضا نموده است که دولت را موظف به رعایت حقوق زنان می‌نماید.

بر اساس کتاب جنسیت و سیاست

تحول مهم دیگر برای مشارکت سیاسی زنان در دوران کودتای هفت ثور ایجاد گردید. در این دوران هرچند که زنان زیادی که همسویی با ایدئولوژی حکومت نداشتند مورد اذیت و آزار قرار گرفته و شکنجه و سرکوب شدند اما زنان هوادار حزب حاکم، در دولت و حکومت، حزب دموکراتیک خلق، انجمن‌ها، مطبوعات و رسانه‌ها حضور فعالی داشت و زنان توانستند مشارکت سیاسی را در بیشتر صحنه‌های سیاسی و اجتماعی تجربه نمایند. دوران جدید را می‌توان نقطه عطفی در تکامل حقوق و مشارکت سیاسی زنان دانست. در این دوران زنان در تمامی عرصه‌های سیاسی حضور دارند و از گروه‌های قدرتمند اجتماعی محسوب می‌گردند. مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این مورد را می‌توان به صورت ذیل برشمرد:

پس از تدویر کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ و تشکیل دولت جدید فصل جدیدی در مشارکت سیاسی زنان گشوده شد. موارد ذیل بخشی از این اقدامات انجام شده در دوران جدید می‌باشد:

شماره	برنامه‌های عملی شده	سال
۱	مجلس زنان افغان برای دموکراسی در بروکسل	۲۰۰۱
۲	ایجاد وزارت امور زنان برای نخستین بار در افغانستان	۲۰۰۱
۳	اعلامیه حقوق اولیه زنان افغان و برنامه ملی انکشاف ساحوی	۲۰۰۲
۴	تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	۲۰۰۲
۵	برنامه همبستگی ملی	۲۰۰۳
۶	حضور ۲۰ درصد از زنان در لویه‌جرگه قانون اساسی افغانستان	۲۰۰۴
۷	تعیین ۲۷ درصد سهمیه برای حضور زنان در ولسی‌جرگه	۲۰۰۴



جنسیت

دکتر محمد جواد صالحی

قسمت سوم

مشارکت سیاسی در افغانستان، ریشه در اصلاحات شاه‌امان‌الله دارد. این پادشاه اصلاح‌طلب اقدامات مفیدی را برای گسترش قدرت زنان انجام داد. در این دوران مکاتب دخترانه ایجاد شد و عده‌ای نیز برای تحصیل به ترکیه اعزام گردید. برای اولین بار زنان مطبوعات خود را به نام ارشادالنسوان ایجاد کرد و تشکل خود را به نام انجمن حمایت از نسوان تأسیس نمود. آزادی‌های عمومی را کسب نمود و فرصت حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی را با تشویق امان‌الله به دست آورد.

با سقوط امان‌الله، مشارکت سیاسی زنان نیز دچار رکود گردید و به فراموشی سپرده شد. بسیاری از اصلاحات دوره امانی لغو گردید و عده‌ای نیز به فراموشی سپرده شد.

در دهه قانون اساسی، مشارکت سیاسی زنان بار دیگر مطرح گردید و گام‌های اساسی برای مشارکت سیاسی زنان مطرح گردید. در این دوران برای اولین بار تعدادی از خانم‌ها، به ولسی‌جرگه و مشرانو جرگه راه یافتند. در کابینه اول و دوم نوراحمد اعتمادی، زنان به عنوان وزیر شامل حکومت گردید و اولین خانم به نام میرمن پروین وارد رادیو گردید.



Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۸ • دوشنبه ۸ • عقرب ۱۳۹۶

Monday • October 30, 2017

Vol. 1 • No. 8



خوانندگان عزیز، نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها از صاحبان نظر را منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشنیان

سردبیر: مریم شاهی

ویراستار: ام البنین محمدی

گزارشگر: آمنه امید

عکاس: نیلوفر تیکوور

زیر نظر هیئت تحریر

بجز رویکرد نیمرخ سایر نوشته‌ها

مسئولیتش به دوش نویسندگان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ

در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۸۶۶۷۷۵۹۹

آدرس الکترونیکی:

nimrokhweekly7@gmail.com

توزیع و چاپ چشمه/ یاسین نادری

۰۷۴۴۶۰۰۵۰



د افغانستان دولت له هغو څخه په سني، د کرنې په سکتور کې په بلې کچه د پام وړ پرمختګ شوی دی په ننگرهار ولایت کې، د ځایي چارواکو له لورې د کرنې څېړنيزو مرکزونو د بيارځونې شير پروژې پيل شويدي.

ځایي پرګونې وارت وايي: زه د کرنې لپاره زياته ځمکه لرم خو نه پوهېدم چې څرنگه ورڅخه په سمه توګه ګټه پورته کوم. څه موده وړاندې ما د کرنې روزنيز ورکشاپ کې برخه واخېسته او اوس زما عايد پنځوس سلنه زيات شويدي.

با تشریح از تلاش‌های دولت افغانستان، سکتور زراعت به طور قابل توجهی در سطح ملی بهبود یافته است در ولایت ننگرهار، شش پروژه بازاری مراکز تحقیقاتی زراعتی توسط مقامات محلی آغاز شده است

کل وارث یک تن از ده‌ها قریب محلی می‌گوید: من زمین زراعتی زیادی برای کشت دارم اما نمی‌دانستم که از آن چگونه به درستی استفاده کنم. مدت پیش من در ورکشاپ آموزشی زراعتی اشتراک نمودم و اکنون درآمد من پنجاه درصد افزایش یافته است.

زموږ د دولت بريا، زموږ بريا ده!



موفقيت دولت ما، موفقيت ما است!

